

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی

(مطالعه‌ی موردی متأهلین شهر شیراز)

مسعود حاجی زاده میمند*، جواد مداحی**
یزدان کریمی***، الهه حدت****، ملینا غوری*****

چکیده

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی طلاق است. طلاق عاطفی را اولین مرحله‌ی فرایند طلاق می‌دانند که بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوال است؛ رابطه‌ای که در آن احساس تلخ بیگانگی جایگزین صمیمیت و یگانگی شده است. مقاله‌ی حاضر عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی در بین متأهلین شهر شیراز را بررسی کرده است. به منظور مطالعه‌ی این موضوع از روش کمی و پیمایشی استفاده شده و اطلاعات لازم با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. نمونه‌ی مورد مطالعه ۳۸۴ نفر بود که به منظور کاهش میزان خطا، نمونه تا ۳۹۲ نفر افزایش داده شد. برای انتخاب این تعداد نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. شایان ذکر است که متغیر طلاق عاطفی به عنوان متغیر ملاک، شامل صمیمیت، تعهد و شور و اشتیاق بوده و متغیر تبیین نیز با متغیرهای سبک زندگی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین سنجیده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان طلاق عاطفی در حد زیاد (۵۳/۸ درصد) است و متغیرهای سبک زندگی سنتی و بهره‌مندی از کامپیوتر با طلاق عاطفی ارتباط معنادار و مثبت و متغیرهای سبک زندگی مدرن و بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی نیز ارتباط معنادار و منفی داشتند. همچنین، یافته‌های مستخرج از مدل رگرسیون چندگانه نشان داد که چهار متغیر سبک زندگی سنتی، سبک زندگی مدرن، کامپیوتر و سبک زندگی تظاهری توانستند متغیر ملاک (طلاق عاطفی) را تبیین کنند.

واژگان کلیدی

طلاق، طلاق عاطفی، سبک زندگی سنتی، سبک زندگی مدرن، فناوری‌های ارتباطی.

*- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد Masoudhajizadehmeymand@gmail.com

** - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

*** - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

**** - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

***** - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۶

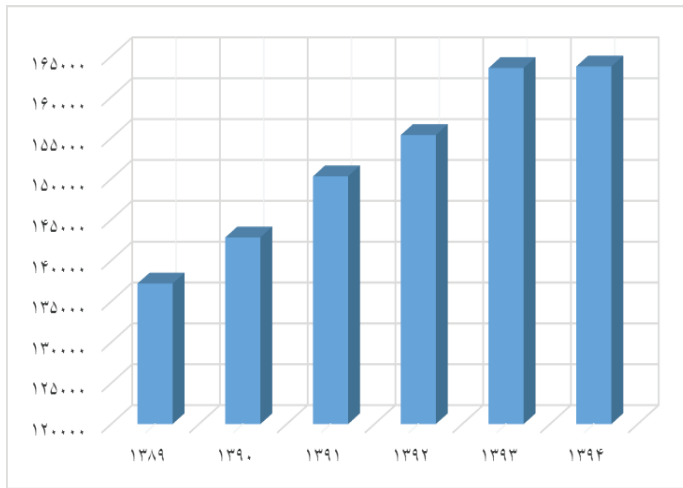
۱- مقدمه و بیان مسئله

بیشتر جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید کرده‌اند و شاید هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نتواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱). بنابراین از آنجا که خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و منشأ جامعه‌ی سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته‌ی کنکاش تحقیقات است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانواده طلاق است؛ درحالی‌که امروزه بیشتر ازدواج‌ها با عشق تحقق می‌یابد و هر دو طرف قصد دارند به یکدیگر و تعهداتشان در مقابل هم احترام بگذارند، اما در طول زمان مسائلی پیش می‌آید که می‌تواند به جدایی، یا یک زندگی مشترک بدون احساس، عشق و همراهی منجر شود. برخی کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در بیشتر مواقع این سیر بروز اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی را طی می‌کند (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). طلاق عاطفی به سردی روابط میان زن و شوهر گفته می‌شود که در این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی به سردی تمام روابط یک زوج منجر می‌شود. رابطه‌ی ضعیف در ارتباط عاطفی زن و شوهر می‌تواند به سردی سایر روابط یک زوج مانند رابطه‌ی روحی، جسمی، عاطفی و حتی کلامی آنها منجر شود؛ وجود این مشکل در یک رابطه باعث بی‌مهری و کم شدن محبت در خانواده می‌شود. طلاق عاطفی را اولین مرحله‌ی فرایند طلاق می‌دانند و بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوال است که احساس تلخ بیگانگی جایگزین یگانگی و صمیمیت شده است. شاید زن و شوهر تا پایان عمر مانند یک گروه اجتماعی در کنار هم بمانند، اما جاذبه‌ی اعتماد طرفین در دره‌ی عمیق فاصله سقوط کرده است (عبدالهی، ۱۳۹۲: ۱۸). طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه‌ی آن، خانواده تنها ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی است، در این حالت، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند، ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. طلاق رسمی به معنای طلاق عاطفی است، یعنی پیامد طلاق رسمی و قانونی، همیشه طلاق عاطفی است. لکن طلاق عاطفی این‌گونه نبوده و زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است.

رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه‌ی ایرانی، به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده به طوری که امروزه دیگر واژه‌ی طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. آمارها نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش

است (شکل ۱). این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده است. لازم به ذکر است، آمارهای موجود فقط طلاق رسمی را نشان می‌دهند، ولی در مورد طلاق عاطفی در میان زوجین، تاکنون آمار رسمی معتبری اعلام نشده است.

بر اساس آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۸۹ تعداد ۱۳۷۲۰۰، سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۴۲۸۴۱، سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۵۰۳۲۴، سال ۱۳۹۲ تعداد ۱۵۵۳۶۹، سال ۱۳۹۳ تعداد ۱۶۳۵۶۹ و در سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۶۳۷۶۵ واقعه‌ی طلاق در کشور به ثبت رسیده است (<http://www.sabteahval.ir>).



شکل (۱). وضعیت میزان طلاق در کل کشور بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

وجود طلاق در بین اقشار مختلف جامعه، این پدیده را پیچیده‌تر و در هم تنیده‌تر کرده است. در فضای جامعه‌ی شهری، انسان‌ها در گذر از ساخت سنتی به ساخت جدید با سرگردانی و حیرانی در ارزش‌ها و هنجارها مواجه‌اند. این شرایط، نگرش شهرنشینان را نسبت به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌کند.

در مطالعات آکادمیک ایران به موضوع طلاق عاطفی به عنوان بعد پنهان طلاق زوجین کمتر توجه شده است و مطالعات، بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداخته‌اند. بنابراین خلأ این‌گونه تلاش‌های علمی، جدی به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه بر اساس آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال کشور استان فارس به طور عام و شهر شیراز به طور خاص طی چند سال گذشته در واقعه‌ی طلاق سیر صعودی داشته و از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ از نظر تعداد طلاق، در بین ۷ استان اول قرار گرفته (سال ۱۳۸۹ تعداد طلاق‌های ثبت شده ۷۸۳۸، سال ۱۳۹۰ تعداد طلاق‌ها ۸۰۷۳، سال ۱۳۹۱ تعداد طلاق‌ها ۷۴۶۴، سال ۱۳۹۲ تعداد طلاق‌ها ۹۴۳۸، سال ۱۳۹۳ تعداد طلاق‌ها ۸۲۰۲ و در سال ۱۳۹۴ تعداد

طلاق‌های ثبت شده ۷۷۲۶ بودند^۱ و با توجه به اینکه طلاق عاطفی بعد پنهان و مؤثری در وقوع طلاق رسمی دارد؛ لذا این پژوهش عوامل مرتبط با طلاق عاطفی در میان زوجین شهر شیراز را بررسی کرده است. بر این اساس، این پژوهش می‌کوشد تا به این مهم بپردازد که:

- ۱- میزان طلاق عاطفی در بین زوجین چقدر است؟
- ۲- ارتباط عوامل اجتماعی با طلاق عاطفی چگونه است؟
- ۳- کدام مؤلفه‌های اجتماعی قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری درباره‌ی طلاق عاطفی دارند؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

همان‌طور که ذکر شد، طلاق عاطفی یکی از موضوعاتی است که تحقیقات علمی به ویژه در ایران کمتر بدان توجه کرده و تعداد این تحقیقات محدود است (بخارایی، ۱۳۸۶).

رحیمی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط زناشویی زوجین در شهر خلخال» نشان دادند که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط عاطفی زوجین، سردی روابط جنسی زوجین، سردی روابط خانوادگی زوجین، سردی روابط خویشاوندی زوجین و سردی روابط اجتماعی زوجین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴).

اسکافی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد» نشان دادند که حمایت، انسجام، قوت پیوند، صمیمیت و فعالیت‌های مشترک در صمیمیت با همسر مؤثر است و صمیمیت با همسر بیشترین اثر را در طلاق عاطفی دارد. همچنین در بین متغیرهای خصیصه‌ای، تعداد فرزندان، مدت ازدواج، نسبت قبلی با همسر و شناخت همسر قبل از ازدواج در طلاق عاطفی مؤثرند (اسکافی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵۰-۲۲۵).

عبداللهی و صداقت در تحقیقی که در بین زوجین مطلقه در شهر بوشهر در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ انجام شد، نشان دادند که از نظر زوجین مطلقه، مهم‌ترین عامل جامعه‌شناختی در گرایش به طلاق «رسانه‌ها، فیلم‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی» است (عبداللهی و صداقت، ۱۳۹۳: ۱-۱۴).

یافته‌های پژوهش یزدانی و همکاران نشان داد که بین طلاق عاطفی و شش بعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین اختلاف رتبه‌ها در هر کدام از متغیرهای وابسته در دو گروه نیز معنادار بوده است. در نهایت این نتیجه حاصل شد

که کیفیت زندگی زنان مبتلا به طلاق عاطفی بر اساس طیف لیکرت، در حد پایین و کیفیت زندگی زنان عادی در حد بالایی است (بیزدانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۵۹).

باستانی و دیگران با استفاده از روش کیفی (نظریه‌ی مبنایی) یکی از مطالعات داخلی در این حوزه را انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۱۱ مقوله شامل عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، انتخاب نادرست همسر، عدم همدلی و همراهی، رفتارهای خشونت‌آمیز، عدم گذران وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، عدم احساس مسئولیت مرد و عدم تعادل روحی مرد از جمله شرایط علی تأثیرگذار در طلاق عاطفی است (باستانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۵۷).

روشنی در پژوهش خود با عنوان «طلاق عاطفی؛ زمینه‌ها و پیامدها» به مطالعه‌ی طلاق عاطفی از دید زنان به روش نظریه‌ی مبنایی و از طریق مصاحبه‌ی عمیق با ۲۰ نفر از زنان مراجعه کننده به یکی از مراکز مشاوره‌ی تهران و بررسی پرونده‌ی مراجعان می‌پردازد. زنان در مصاحبه‌ها شرایط علی، ویژگی‌ها، پیامدهای طلاق عاطفی، و استراتژی‌های خود در مواجهه با طلاق عاطفی را توصیف کرده‌اند. شرایط علی طلاق عاطفی در سه گروه نادیده گرفته شدن انتظارات، نیازها و نظرهای زن توسط مرد و استراتژی‌های زنان در مواجهه با طلاق عاطفی بر اساس هدف به سه دسته‌ی رابطه محور، خویشتن محور و فرزند محور طبقه‌بندی شده‌اند (روشنی، ۱۳۸۹).

حدادی در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی به طلاق عاطفی (مطالعه‌ای با رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی) در زنان شهر تهران» مسئله‌ی طلاق عاطفی را با روش کیفی در شهر تهران بررسی کرده است. وی در توضیح طلاق عاطفی به طیفی از نارضایتی زناشویی اشاره کرده که لزوماً به جدایی منجر نمی‌شود، بلکه نوعی همسازی را جایگزین می‌کند. یافته‌ها حاکی از تغییر نگرش زنان به خود و به فلسفه‌ی زندگی و همچنین نوعی مبادله‌ی نابرابر در جریان زندگی روزمره است که از طریق نوعی عقلانیت ابزاری و درک نکردن همسر به احساس نابرابری می‌انجامد (حدادی، ۱۳۸۹).

والنزوالا و همکاران ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از ازدواج و نرخ طلاق در سراسر ایالات متحده آمریکا را بررسی کردند. داده‌های پژوهش نشان از محبوبیت بالای شبکه‌های اجتماعی در میان شرکت کنندگان بود. براساس نتایج پژوهش، استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث سردی روابط بین زوجین شده و بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد (Valenzuela & etal, 2014: 94-101).

راسل و کلایتون پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی به خصوص توئیتر بر خیانت زناشویی و طلاق» انجام دادند. از نتایج مهم پژوهش این بود که شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن زمینه‌ی روابط عاشقانه با افرادی غیر از همسر، باعث خیانت زناشویی شده و در نهایت به طلاق ختم می‌شود (Russell & Clayton, 2014: 425-430).

چالرز و همکاران طلاق عاطفی را هرگز یک پدیده‌ی تک عاملی ندانستند و در تحقیق خود نشان دادند که با به هم خوردن تصورات و انتظارات افراد از یکدیگر بعد از ازدواج پیوندهای عاطفی بینشان شکست می‌خورد و به طلاق عاطفی منجر می‌شود (Charls, 2011).

آبی و همکاران در تحقیق خود نشان دادند که متغیرهایی مانند ریاکاری، دروغ گفتن، پرخاشگری، ظاهرسازی، تفکر سنتی، لجاجت، حسادت و دیگر عوامل فردی همچون تحمل بالا نداشتن با طلاق عاطفی رابطه دارند (Abbey & etal, 2010).

موریزون و همکاران پژوهشی با عنوان «یک مطالعه آینده‌نگر طلاق و رابطه‌ی آن با کارآمدی خانواده» انجام دادند. آنها محیط خانواده، گرایش‌های فرزندپروری والدین، خودتوصیفی والدین قبل از طلاق و سازه‌های مدل مک مستر را سنجیدند. سنجش اول در حالی بود که هنوز طلاق روی نداده بود. در مرحله‌ی دوم فقط خانواده‌هایی که طلاق در آنها واقع شده بود سنجیده شدند. نتایج حاکی از آن است که خانواده‌هایی که کارآمدی کلی کمتری از خود نشان دادند طلاق گرفتند، اینها همچنین در تمام سازه‌های الگوی مک مستر به جز کنترل رفتار، ناکارآمدی از خود نشان دادند. کارآمدی والدین به طور معناداری در سال‌های قبل از وقوع طلاق کاهش یافت (Morrison & et al: 2005).

لارسن و هولمن عوامل مؤثر در ثبات و کیفیت زناشویی را بررسی کردند. از نظر آنها مهم‌ترین این عوامل موارد زیر است:

الف- عوامل زمینه‌ای و محیطی مانند خانواده‌ی اصلی (مانند طلاق والدین)؛

ب- عوامل اجتماعی- فرهنگی (مانند شغل)؛

ج- رفتار و ویژگی‌های فردی مانند سلامت عاطفی و سلامت فیزیکی؛

د- فرایندهای تعاملی زوجین مانند همسان همسری (Larson & Holman, 1994).

همان طور که اشاره شد، به موضوع طلاق عاطفی در محافل و تحقیقات علمی- به‌ویژه داخلی- کمتر توجه شده است، هر چند در ارتباط با مفاهیم نزدیک به این مفهوم مانند کیفیت زناشویی، تعارض زناشویی و... - به ویژه در حوزه‌ی روان‌شناسی- مطالعات زیادی انجام شده است. مطالعه‌ی حاضر تلاش می‌کند تا با استفاده از روش کمی و با رویکرد جامعه‌شناختی، موضوع طلاق عاطفی را در بین خانواده‌های شیرازی بررسی کند.

۳- مبانی و چارچوب نظری پژوهش

پل بوهانون عمده‌ی انواع جدایی‌ها را که در فرایند طلاق پیش می‌آید، چنین برمی‌شمرد: طلاق عاطفی^۱، طلاق روانی^۲، طلاق قانونی^۳، طلاق اقتصادی^۴ و طلاق اجتماعی^۵ (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). طلاق‌ها را می‌توان به دو دسته‌ی متمایز تقسیم کرد:

۱: طلاق آشکار: به طلاق‌ی گفته می‌شود که زوجین با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یکدیگر جدا شده و سند ازدواج خود را باطل کرده باشند.

۲: طلاق پنهان: طلاق‌هایی هستند که از همه نظر ویژگی‌های طلاق‌های نوع اول را دارند، ولی به دلیل وجود موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص آشکار نمی‌شوند. در واقع این گونه طلاق‌ها بدون ابطال ازدواج اتفاق می‌افتند. در این نوع طلاق، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر روابط بین آنها یا کاملاً قطع شده و یا بدون میل و رضایت است. زوجین مبتلا ممکن است سال‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط‌های کلامی) بهترین ایام عمر خود را تلف می‌کنند (همان). عده‌ای موضوع طلاق روانی را مطرح می‌کنند؛ این نوع طلاق به معنای بی‌علاقه‌گی نسبت به همسر و در پیش گرفتن زندگی جدید با پیوندها و تعهدات عاطفی جدید است (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

رابرت استرنبرگ^۶ جوانب مختلف عشق را با مثلی که سه مؤلفه‌ی تعهد (جزء شناختی)، صمیمیت (جزء احساسی) و شور و اشتیاق (جزء انگیزشی) دارد، نشان می‌دهد. رابطه می‌تواند با هر یک از این سه مؤلفه آغاز و سپس با رشد دو مؤلفه‌ی دیگر به عشق تبدیل شود. تعهد یک وابستگی شناختی به فرد دیگر است. رشد تعهد به زمان زیادی نیاز دارد، به کندی آغاز می‌شود و در صورت مثبت بودن رابطه با سرعتی بیشتر افزایش می‌یابد؛ اگر رابطه موفق نباشد تعهد از بین می‌رود. افراد تعهد خود را زمانی نشان می‌دهند که رابطه وارد مرحله‌ی پیشرفته‌تر شود (مثلاً از مرحله نامزدی وارد ازدواج شود)، یعنی زمانی که باید وفادار باشند یا رابطه را در سخت‌ترین شرایط ادامه دهند. صمیمیت شامل به اشتراک گذاردن احساسات و فراهم آوردن حمایت عاطفی است. صمیمیت معمولاً مستلزم سطوح بالاتر خودافشایی و به اشتراک گذاردن آن دسته از اطلاعات شخصی است که معمولاً به دلیل احساس خطر فاش نمی‌شوند. صمیمیت با افزایش نزدیکی به

1- The Emotional Divorce.

2- The Psycho Divorce.

3- The Legal Divorce

4- The Economic Divorce

5- The Community Divorce

6- Robert Sternberg

تدریج افزایش می‌یابد و با رشد رابطه عمیق‌تر می‌شود. افراد با جلب اعتماد یکدیگر و انتقادپذیری می‌توانند پشتوانه‌ی قوی عاطفی برای صمیمیت ایجاد کنند.

شور و اشتیاق جنسی معمولاً با ابراز محبتی که به برانگیختگی فیزیولوژیکی مربوط می‌شود و همچنین با تعاملات جنسی، ابراز می‌شود. شور و اشتیاق جنسی به سرعت آشکار می‌شود و می‌تواند به سرعت نیز محو شود. شور جنسی مانند اعتیاد است و با پایان یافتن آن ممکن است فرد علائم کناره‌گیری مانند تحریک‌پذیری عصبی و افسردگی را احساس کند (Olsen & Defrain, 2006: 246-247). سه مؤلفه‌ی عشق به طرق گوناگون با هم ترکیب می‌شوند و بر این اساس استرنبرگ هشت نوع رابطه را مشخص کرده است:

الف- رابطه‌ی غیر عشقی، که فاقد تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است.

ب- عشق تهی، که تنها شامل تعهد و فاقد صمیمیت و اشتیاق جنسی است.

ج- دوست داشتن، که تنها شامل صمیمیت و فاقد تعهد و اشتیاق جنسی است.

د- شیفتگی، که تنها شامل اشتیاق جنسی و فاقد تعهد و صمیمیت است.

هـ- عشق رمانتیک که شامل صمیمیت و اشتیاق جنسی و فاقد تعهد است.

و- عشق ابلهانه که شامل تعهد و اشتیاق جنسی و فاقد صمیمیت است.

ز- عشق مصاحبتی که شامل تعهد و صمیمیت و فاقد اشتیاق جنسی است.

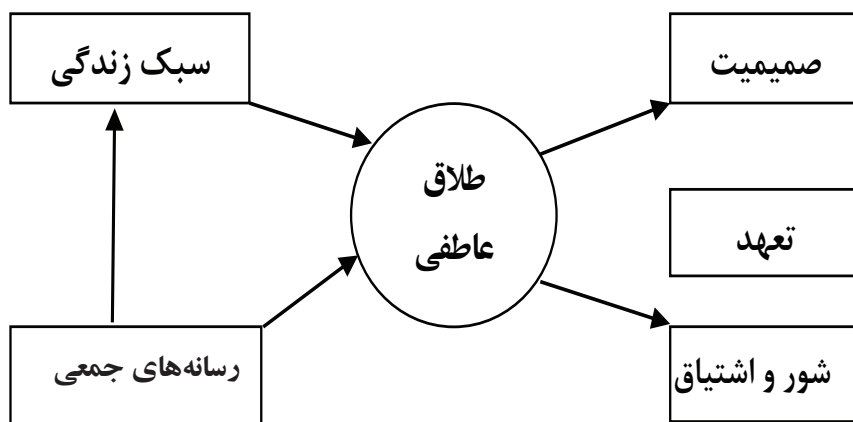
ح- عشق کامل که شامل تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است (Ibid).

با در نظر گرفتن سه مؤلفه‌ی مثلث عشق استرنبرگ، از آنجا که طلاق عاطفی رابطه‌ای فاقد صمیمیت است، می‌توان دو نوع از هشت نوع رابطه‌ی تعریف شده‌ی استرنبرگ، یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه را طلاق عاطفی خواند. تمام نظریه‌هایی که به آنها اشاره شد، هر کدام به نحوی چگونگی ایجاد متغیر مستقل وابسته (طلاق عاطفی) را تبیین کردند و مرور آنها، چگونگی شکل‌گیری، ایجاد و استمرار طلاق عاطفی را بیان کرد.

سبک زندگی با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد، بدین ترتیب که برخلاف جوامع سنتی، در جامعه‌ی معاصر به دلیل اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه‌ی مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است. سبک‌های زندگی بازنمودی از جست‌وجوی هویت و انتخاب فردی است. بر پایه‌ی همین واقعیت، مفهوم سبک زندگی راهی برای تعریف ایستارها، ارزش‌ها و همچنین نشانگر ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است. نشانه‌های فراوانی وقوع تغییرات فرهنگی در جوامع و از جمله، جامعه‌ی ما را خبر می‌دهد. نوع معماری، نحوه‌ی پوشش، ظهور مشاغل جدید، تنوع رسانه‌ها و افزایش جمعیت شهرنشین از جمله‌ی این نشانه‌هاست. در منظر جامعه‌شناختی، کاهش نظارت‌های اجتماعی چهره‌به‌چهره، تنوع خاستگاه‌های منطقه‌ای

و قومیتی، کاهش وابستگی‌های انتسابی فرهنگی، خانوادگی و مکانی، امکان‌های گسترده‌تر دسترسی به فرهنگ‌های متنوع، دلزدگی و بی‌قراری انسان کلان‌شهری و نیاز وی به نظام‌ها و سازوکارهای تسلی‌بخش و... از جمله عوامل گسترش تنوع فرهنگی و سبک زندگی در کلان‌شهر است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

سبک زندگی به شکل دادن حوزه‌ی فردی و عمومی اعضای جامعه منجر می‌شود و تمامی عرصه‌های حیات فکری و زندگی مادی فرد را در دو حوزه‌ی خصوصی و اجتماعی در بر می‌گیرد. سبک‌های متفاوت زندگی رفتارهای افراد را تغییر داده، افراد پیوسته در اثر آن از «خود» تعریفی مجدد ارائه می‌کنند و حتی آن را تغییر می‌دهند. در واقع، سبک‌های زندگی جدید که مولود دوران مدرن هستند و به وسیله‌ی رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سرتاسر جهان تبلیغ می‌شوند، بیشتر با سبک‌های سنتی زندگی دچار چالش می‌شوند. بنابراین سبک زندگی سازه‌ای مهم در روابط خانوادگی و زناشویی است و از آنجا که جامعه‌ی ایران جامعه‌ی در حال گذار از سنت به سمت مدرنیته است و به تبع آن تغییر سبک زندگی در بین اقشار مختلف مشاهده می‌شود، مسلماً می‌توان دریافت که این شرایط مشکلات و آسیب‌ها در روابط خانوادگی را ایجاد می‌کند (همان).



مدل ۱. مدل نظری تحقیق

۴- فرضیات پژوهش

- بین سبک زندگی تظاهری و طلاق عاطفی زوجین رابطه وجود دارد.
- بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی زوجین رابطه وجود دارد.
- بین سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی زوجین رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از موبایل و طلاق عاطفی زوجین رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از کامپیوتر و طلاق عاطفی زوجین رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق عاطفی زوجین رابطه وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در هر پژوهشی با توجه به نوع موضوع مشخص می‌شود. روش استفاده شده در این تحقیق، روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام شده است. از لحاظ نوع برخورد با موضوع و ورود به آن رویکرد میدانی است. جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخ‌گویان و ارائه‌ی پرسش‌نامه به آنها انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش زنان و مردان متأهل شهر شیراز هستند. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه‌ی مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه‌ی آماری انجام شد تا پراکندگی صفت مورد مطالعه (طلاق عاطفی) مشخص شود و سپس با استفاده از فرمول کوکران با حداکثر واریانس، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است، به این صورت که ابتدا شهر شیراز را به سه خوشه‌ی، بالا، مرکز و پایین شهر تقسیم کرده و در هر خوشه تعدادی پرسش‌نامه توزیع شد که در نهایت برای اطمینان بیشتر و به منظور کاهش میزان خطا تعداد ۳۹۲ پرسش‌نامه در شهر شیراز در میان پاسخ‌گویان توزیع شد. برای سنجش متغیر وابسته (طلاق عاطفی) که به سه بعد تعهد، صمیمیت و اشتیاق تقسیم شده از پرسش‌نامه‌ی استاندارد استنبرگ استفاده شده است و برای سنجش متغیرهای سبک زندگی و بهره‌مندی از فناوری ارتباطات نوین از پرسش‌نامه تلفیقی که شامل هفت بعد سبک زندگی سنتی، سبک زندگی مدرن، سبک زندگی تظاهری، بهره‌مندی از تلفن همراه، بهره‌مندی از اینترنت، بهره‌مندی از رایانه و شبکه‌های اجتماعی بود، استفاده شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مهم تحقیق

ردیف	مقیاس	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	طلاق عاطفی	۴۵	۰/۹۶۴
۲	سبک زندگی	۲۳	۰/۸۱۲
۳	بهره‌مندی از تلفن همراه	۱۰	۰/۸۳۴
۴	بهره‌مندی از اینترنت	۶	۰/۷۸۹
۵	بهره‌مندی از رایانه	۶	۰/۷۹۴
۶	شبکه‌های اجتماعی	۷	۰/۸۰۹

۶- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

۶-۱- طلاق عاطفی

طلاق عاطفی به سردی روابط میان زن و شوهر گفته می‌شود که در این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی به سردی تمام روابط یک زوج منجر می‌شود (رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲: ۴۹). برای عملیاتی کردن این متغیر از سه بعد تعهد (شناختی)، صمیمیت (احساسی) و شور و اشتیاق (انگیزشی) استفاده شد که هر کدام از این ابعاد با ۱۵ گویه سنجیده شده است.

۶-۲- سبک زندگی تظاهری

۷ گویه‌ی سبک زندگی که در قالب طیف لیکرت پنج درجه‌ای استفاده شده است، بر اساس تئوری وبلن از مصرف تظاهری افراد از فضای امکانات اقتصادی، اطلاعاتی را به ما می‌دهد. این افراد از لحاظ اقتصادی در سطح بالایی قرار ندارند، اما تلاش می‌کنند تا با تهیه‌ی وسایل زندگی افراد طبقه‌ی بالا و یا استفاده از فضای اقتصادی طبقه‌ی بالا از نوع سبک زندگی آنها تقلید کنند و یا به عبارتی تظاهر به مدرن بودن می‌کنند (همان).

۶-۳- سبک زندگی مدرن

گویه‌های سبک زندگی بر اساس تحقیق ران وی^۱ و نظریه‌ی بوردیو نشان دهنده‌ی ویژگی‌های افرادی است که از طبقات بالای اقتصادی جامعه بوده و به عبارتی شیوه‌ی زندگی مدرن دارند

(همان: ۵۰). برای سنجش این متغیر از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت پنج درجه‌ای استفاده شده است.

۶-۴- سبک زندگی سنتی

گویه‌های سبک زندگی در جامعه‌ی ما که در این تحقیق ۸ عدد بوده و به صورت مشابه با دیگر گویه‌ها در قالب طیف لیکرت سنجیده شده، نشان دهنده‌ی سبک زندگی سنتی است. اصطلاح سبک زندگی سنتی را فکوهی در مقاله‌اش با عنوان «خرده فرهنگ‌ها» عنوان می‌کند (همان).

۶-۵- بهره‌مندی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شامل همه‌ی آن فناوری‌هایی می‌شود که توانایی پرداختن به اطلاعات را دارند و اشکال گوناگون روابط میان کنشگران انسانی، بین انسان‌ها و نظام‌های الکترونیکی و میان نظام‌های الکترونیکی را تسهیل می‌کنند (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۸: ۱۲). در این تحقیق، میزان استفاده از رایانه، اینترنت و مشتقات آن همچون چت و پست الکترونیکی، موبایل و مشتقات آن همچون پیامک و در نهایت شبکه‌های اجتماعی به وسیله‌ی ۲۹ گویه که در قالب طیف لیکرت پنج درجه‌ای طراحی شده، سنجیده شدند.

۷- یافته‌های پژوهش

میانگین سنی مشارکت کنندگان در بررسی، ۳۲/۶۵ با حداقل سن ۲۱ و حداکثر ۶۵ سال با انحراف معیاری برابر با ۷/۱۵۲ بوده است. همچنین ۵۵/۴ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۴۴/۶ درصد مرد بودند. میزان تحصیلات نیز، سیکل ۵/۱، دیپلم ۲۴/۵، فوق دیپلم ۱۲/۰، لیسانس ۴۴/۱، فوق لیسانس ۱۲/۰ و دکتری ۲/۳ درصد بوده است.

جدول ۲. میزان طلاق عاطفی پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	طلاق عاطفی
۲۸/۸	۱۰۹	کم
۱۸/۴	۷۲	متوسط
۵۴/۸	۲۱۱	زیاد
٪۱۰۰	۳۹۲	جمع کل

بر اساس یافته‌های جدول شماره‌ی ۲؛ ۲۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان در سطح کم، ۱۸/۴ درصد در سطح متوسط و ۵۳/۸ درصد در سطح زیاد طلاق عاطفی داشته‌اند. بنابراین با توجه به آمار جدول فوق به نظر می‌رسد، بسیاری از پاسخ‌گویان طلاق عاطفی را تجربه کرده‌اند. به لحاظ فراوانی تعداد کسانی که طلاق عاطفی زیاد داشتند کمی بیش از دو برابر افرادی هستند که طلاق عاطفی کم داشتند.

جدول ۳. توزیع نرمال داده‌ها

کلموگروف - اسمیرف			شاپیرو- ویلک			متغیر ملاک
سطح معنی داری	تعداد	وضعیت	سطح معنی داری	تعداد	وضعیت	طلاق عاطفی
۰/۰۳۲	۳۹۲	۰/۱۶۸	۰/۰۵۶	۳۹۲	۰/۸۹۹	

برای اطمینان از توزیع نرمال داده‌ها از آزمون شاپیرو- ویلک استفاده شد. که نتایج آن در جدول شماره‌ی ۳ گزارش شده است. معمولاً چنانچه سطح معناداری در آزمون شاپیرو - ویلک بیشتر از ۰/۰۵ باشد می‌توان توزیع داده‌ها را نرمال دانست. با توجه به جدول فوق و مقدار سطح معناداری (۰/۰۵۶) برای متغیر طلاق عاطفی می‌توان گفت که توزیع این متغیر با احتمال خوبی نرمال است. همچنین در نمودار Q-Q توزیع داده‌ها بر روی خط قرار گرفته‌اند که نشان از نرمال بودن داده‌ها دارد. لذا برای آزمون متغیرها از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

جدول ۴. ماتریس همبستگی

متغیر	M	SD	SIG	A	B	C	D	E	F	J	H
طلاق عاطفی	۱۵۲/۵۳	۴۷/۷۶	۰/۰۰۰	۱							
سبک زندگی تظاهری	۳۲/۸۲	۶/۱۸	۰/۰۸۹	-۰/۰۸۶	۱						
سبک زندگی سنتی	۳۳/۷۰	۶/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۶۶۴	۰/۰۹۷	۱					
سبک زندگی مدرن	۲۲/۸۸	۴/۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۰۸	۰/۵۸۵	-۰/۰۶۷	۱				
بهرمندی از موبایل	۲۸/۶۵	۸/۴۰	۰/۸۴۷	۰/۰۱۰	۰/۳۶۱	۰/۰۴۵	۰/۳۸۱	۱			
بهرمندی از اینترنت	۱۴/۱۱	۵/۷۶	۰/۳۵۰	۰/۰۵۸	۰/۲۱۵	-۰/۰۱۸	۰/۳۱۲	۰/۵۱۸	۱		
بهرمندی از کامپیوتر	۱۴/۱۳	۵/۸۱	۰/۰۰۲	۰/۱۵۷	۰/۲۴۴	۰/۱۸۱	۰/۲۳۴	۰/۶۷۷	۰/۶۰۹	۱	
بهرمندی از شبکه‌های اجتماعی	۱۸/۰۵	۷/۳۶	۰/۰۱۱	-۰/۱۲۸	۰/۲۶۴	-۰/۱۴۱	۰/۲۸۹	۰/۵۲۴	۰/۵۶۱	۰/۵۲۱	۱

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۴ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی محاسبه شده مربوط به سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی برابر با ۰/۶۶۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که از سطح خطا ۰/۰۵ کمتر بوده و نشان دهنده‌ی آن است که ارتباط معناداری میان سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین این دو متغیر مثبت است، بنابراین این ارتباط نیز مستقیم است. همچنین ضریب همبستگی محاسبه شده مربوط به سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی برابر با -۰/۲۰۸ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که از سطح خطا ۰/۰۵ کمتر بوده و نشان دهنده‌ی آن است که ارتباط معناداری میان سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین این دو متغیر منفی است، بنابراین ارتباط آنها معکوس است. ضریب همبستگی محاسبه شده مربوط به استفاده از کامپیوتر

با طلاق عاطفی برابر با ۰/۱۵۷ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۲ است که از سطح خطا ۰/۰۵ کمتر بوده و نشان دهنده‌ی آن است که میان طلاق عاطفی و استفاده از کامپیوتر ارتباط معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی محاسبه شده مربوط به استفاده از شبکه‌های اجتماعی با طلاق عاطفی برابر با ۰/۱۲۸- و سطح معناداری برابر با ۰/۰۱۱ است که از سطح خطا ۰/۰۵ کمتر بوده و نشان دهنده‌ی آن است که میان طلاق عاطفی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین این دو متغیر منفی است، بنابراین این ارتباط معکوس است. سه متغیر سبک زندگی تظاهری، بهره‌مندی از اینترنت و موبایل به دلیل اینکه سطح معناداری آنها بالاتر از ۰/۰۵ است، با متغیر وابسته (طلاق عاطفی) ارتباط معناداری ندارند.

جدول ۵. نتایج فرضیات

فرضیه	r	sig	تعداد	نتیجه
۱- بین سبک زندگی تظاهری و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.	-۰/۰۸۶	۰/۰۸۹	۳۹۲	رد شد
۲- بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.	۰/۶۶۴	۰/۰۰۰	۳۹۲	تأیید شد
۳- بین سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۳۹۲	تأیید شد
۴- بین استفاده از موبایل و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.	۰/۰۱۰	۰/۸۴۷	۳۹۲	تأیید شد
۵- بین استفاده از کامپیوتر و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.	۰/۱۵۷	۰/۰۰۲	۳۹۲	تأیید شد
۶- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.	-۰/۱۲۸	۰/۰۱۱	۳۹۲	تأیید شد

برای آزمون فرضیه‌ی «بین سبک زندگی تظاهری و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول شماره ۵ این فرضیه در سطح معناداری ۹۵٪ تأیید می‌شود، در واقع ضریب همبستگی سبک زندگی تظاهری و طلاق عاطفی برابر با ۰/۰۸۶- و سطح معناداری برابر با ۰/۰۸۹ است، بنابراین فرضیه تأیید نمی‌شود و ارتباط بین این دو متغیر وجود ندارد. به این معنا که داشتن سبک زندگی تظاهری با طلاق عاطفی رابطه ندارد.

فرضیه‌ی دوم که مبتنی بر «رابطه‌ی سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی است» با توجه به ضریب همبستگی این دو متغیر که برابر با $0/664$ و سطح معناداری $0/000$ است، ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد. به بیانی دیگر هر چه سبک زندگی سنتی در بین زوجین بیشتر باشد، طلاق عاطفی بیشتر است. یعنی سبک زندگی سنتی، طلاق عاطفی را در خانواده‌ها طبق شرایط مدرن زندگی امروزی افزایش می‌دهد.

در مورد فرضیه‌ی سوم، ضریب همبستگی سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی برابر با $0/208$ - و سطح معناداری برابر با $0/000$ است، بنابراین ارتباط مستقیم و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. به بیانی دیگر هر چه سبک زندگی زوجین کمتر مدرن باشد، طلاق عاطفی آنها بیشتر است. در تأیید این فرضیه و برخلاف فرضیه‌ی قبلی داشتن سبک زندگی مدرن عاملی مهم در پایین آمدن آمار طلاق عاطفی است.

فرضیه‌ی چهارم، با توجه به ضریب همبستگی بین استفاده از موبایل و طلاق عاطفی که برابر با $0/010$ و سطح معناداری برابر با $0/847$ است، تأیید نمی‌شود و ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

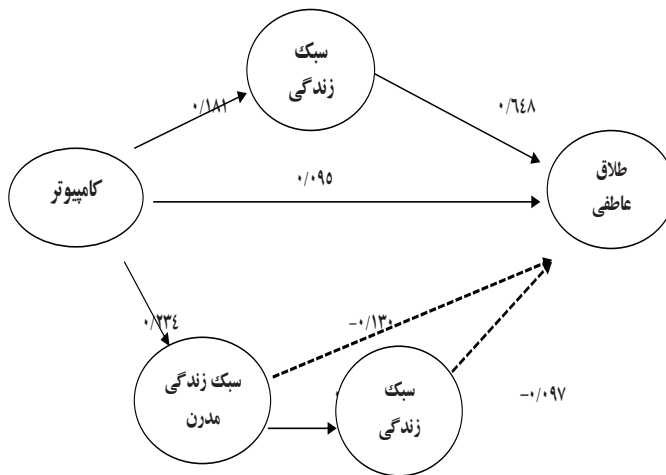
برای آزمون فرضیه‌ی «بین استفاده از کامپیوتر و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی استفاده از کامپیوتر و طلاق عاطفی برابر با $0/157$ و سطح معناداری برابر با $0/002$ است، بنابراین ارتباط مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد. به بیانی دیگر هر چه استفاده از کامپیوتر بیشتر باشد، طلاق عاطفی در بین زوجین بیشتر می‌شود؛ لذا فرضیه‌ی فوق تأیید می‌شود.

در مورد فرضیه‌ای که رابطه‌ی معناداری بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق عاطفی فرض شد، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق عاطفی برابر با $0/128$ - و سطح معناداری برابر با $0/011$ است، بنابراین بین این دو متغیر ارتباط معکوسی وجود دارد. به بیانی دیگر هر چه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، طلاق عاطفی در بین زوجین کمتر است.

جدول ۶. نتایج رگرسیون چندگانه

متغیر پیش‌بینی کننده	B	β	T	sig	R	R ²	F	sig
سبک زندگی سنتی	۴/۹۰۱	۰/۶۴۸	۱۷/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۶۶۴	۰/۴۴۱	۸۹/۲۲۸	۰/۰۰۰
سبک زندگی مدرن	-۱/۴۹۲	-۰/۱۳۰	-۲/۸۰۱	۰/۰۰۵	۰/۶۸۴	۰/۴۶۸		
کامپیوتر	۰/۷۷۸	۰/۰۹۵	۲/۴۴۷	۰/۰۱۵	۰/۶۸۹	۰/۴۷۵		
سبک زندگی تظاهری	-۰/۷۴۵	-۰/۰۹۷	-۲/۰۹۱	۰/۰۳۷	۰/۶۹۳	۰/۴۸۰		

برای ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای پیش‌بین مطرح شده در مدل برنامه‌ریزی شده که روابط آنها قبلاً به آزمون گذاشته شده، از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. برای استفاده از رگرسیون چندگانه، با توجه به نتایج آزمون فرضیات عمل شده، تنها متغیرهایی وارد معادله شدند که بر اساس نتایج آزمون‌های انجام شده، میان آنها با متغیر ملاک رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده شده است. همان‌طور که در جدول فوق گزارش شده، ضریب بتای سبک زندگی سنتی ۰/۶۴۸ است، یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار سبک زندگی سنتی ۶۴/۸ واحد انحراف معیار طلاق عاطفی نیز افزایش پیدا می‌کند. ضریب بتای سبک زندگی مدرن -۰/۱۳۰ است؛ به این معنی که با افزایش یک واحد به انحراف معیار سبک زندگی مدرن به دلیل منفی بودن ضریب بتا ۱۳/۰ واحد انحراف معیار طلاق عاطفی کاهش پیدا می‌کند. متغیر سوم وارد شده در مدل رگرسیون، کامپیوتر است که میزان بتای آن ۰/۰۹۵ گزارش شده است، یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار کامپیوتر ۰۹/۵ واحد به انحراف معیار طلاق عاطفی افزوده می‌شود. همچنین میزان ضریب بتای سبک زندگی تظاهری ۰/۰۹۷- است، یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار سبک زندگی سنتی تظاهری، میزان انحراف معیار طلاق عاطفی به دلیل منفی بودن ضریب بتا ۰۹/۷ واحد کاهش پیدا می‌کند.



نمودار شماره (۱): تحلیل مسیر تأثیر مستقیم و غیر مستقیم عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی

جدول ۷. نتایج تحلیل مسیر (تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و تأثیر کل متغیرهای پیش‌بین)

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
سبک زندگی سنتی	۰/۶۴۸	-	۰/۶۴۸
کامپیوتر	۰/۰۹۵	۰/۰۷۴	۰/۱۶۹
سبک زندگی مدرن	-۰/۱۳۰	۰/۴۸۸	۰/۳۵۸
سبک زندگی تظاهری	-۰/۰۹۷	-	-۰/۰۹۷

به منظور بررسی عمیق‌تر عوامل مرتبط با طلاق عاطفی از تحلیل مسیر استفاده شد. همان گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، متغیر سبک زندگی سنتی با تأثیر کل ۰/۶۴۸ بیشترین تأثیر و متغیر سبک زندگی تظاهری با تأثیر ۰/۰۹۷- کمترین تأثیر را در تغییرات متغیر ملاک دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، عمیق شدن شکاف عاطفی بین زوجین موجب شده تا آنها به جدایی در زیر یک سقف برسند و تنها در جوار هم همچون دو همخانه روزگار را بدون ابراز محبت سپری کنند و شاید روزی آخرین فصل رمان زندگی آنها با طلاق محضری به پایان برسد.

نتایج بررسی فرضیه‌ی «بین سبک زندگی تظاهری و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد» نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ی معنی‌دار وجود ندارد، به بیان دیگر هرچه افراد از زندگی افراد طبقه‌ی بالا یا سبک زندگی آنها تقلید کنند و تظاهر به مدرن بودن کنند، در طلاق عاطفی تأثیری ندارد. این یافته با یافته‌های آبیی که ریاکاری و ظاهرسازی را از عوامل طلاق عاطفی می‌دانست، همخوانی ندارد.

فرضیه‌ی «بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد» بر اساس آزمون همبستگی پیرسون تأیید شد. به این معنا که ارتباط مستقیمی بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی وجود دارد. به بیانی دیگر هر چه سبک زندگی سنتی در بین زوجین بیشتر رواج داشته باشد، طلاق عاطفی بیشتر بین آنها مشاهده می‌شود. در شیراز، ضریب همبستگی $0/664$ ضریبی بالا در ارتباط مستقیم بین سبک زندگی سنتی با طلاق عاطفی است. این نتیجه بر اساس نظریه‌ی استنبرگ تأیید شد. طبق نظریه‌ی سه وجهی عشق استنبرگ، تعهد در جامعه‌ی سنتی می‌تواند یک رابطه‌ی زناشویی را بدون صمیمت و عشق تداوم بخشد. یعنی زن و شوهر تنها به دلیل تعهد حقوقی تا حدی همدیگر را تحمل می‌کنند. هر چند در انتها این رابطه تحت شرایط خاصی می‌تواند به طلاق حقوقی منجر شود و در نهایت این سبک زندگی سنتی است که عامل اساسی در طلاق عاطفی جامعه‌ی مدرن است. این یافته با یافته‌های باستانی و همکاران همخوانی دارد. باستانی در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که طلاق عاطفی در خانواده‌هایی که مرد مؤلفه‌های سبک زندگی سنتی از جمله بی‌توجهی مرد، مردسالاری و رفتارهای خشونت‌آمیز دارد طلاق عاطفی بیشتری را تجربه می‌کنند.

به نظر می‌رسد، ریشه‌های طلاق عاطفی در تفاوت سبک‌های زندگی است. در سبک زندگی سنتی، زن مطیع بود و حرف گوش کن و پدیده‌ی خیانت بسیار کمتر جلوه می‌کرد. بین زن و شوهر عنصری به نام علاقه و محبت وجود داشت و البته این عنصر در جامعه نیز به چشم می‌خورد، اما با مدرن شدن زندگی‌ها و سبک زندگی مدرن، شیوه‌ی زندگی سنتی کاربرد خود را نسبت به گذشته از دست داده است و تبدیل به عامل اساسی طلاق عاطفی در جامعه‌ی مدرن شده است. زنان پس از گذشت سال‌ها و مشاهده‌ی رنج مادرانشان و مدل مردسالاری گذشته و پیاده کردن آن توسط مردان در زندگی مدرن امروزی شاکی و به نوعی معترض‌اند و خواهان حقوق خود در روابط بین شخصی و اجتماعی‌اند و در صورت رعایت نشدن این حقوق - اگرچه پنهان به لحاظ روحی از شوهران خود دور شده یا به اصطلاح طلاق عاطفی می‌گیرند. مردان هم با در دسترس بودن زنان متعدد و سهولت در برقراری ارتباط، دیگر لزومی به پای‌بندی نمی‌بینند.

این در حالی است که فرضیه‌ی رابطه بین سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی تأیید شده در بین خانواده‌هایی که بر سبک زندگی مدرن مبتنی بر رعایت حقوق و درک متقابل متکی است، طلاق عاطفی بسیار پایین‌تر است. به نظر می‌رسد، بر اساس داده‌های تحقیق بر خلاف سبک زندگی سنتی، در جامعه‌ی مدرن امروزی رابطه‌ی طلاق عاطفی با سبک زندگی مدرن معکوس است، یعنی هر چه سبک زندگی زوجین مدرن‌تر باشد، طلاق عاطفی کمتر تجربه می‌شود. نسل‌های جدید بر این باورند که زندگی تنها یک ازدواج و تهیه غذا و بچه‌دار شدن نیست. درک طرف مقابل و فهم نیازهای او نقش عمده‌ای در حفظ زندگی دارد. این یافته با نتایج اسکافی و همکاران همخوانی دارد. اسکافی و همکاران در تحقیق خود به تأثیر سبک زندگی مدرن از جمله شناخت همسر قبل از ازدواج و صمیمیت در کاهش طلاق عاطفی بین زوجین دست یافت.

همان‌طور که نتایج آزمون‌ها نشان داد، فرضیه‌ی وجود رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق عاطفی تأیید شد، اما نکته‌ی مهم در تأیید این فرض منفی بودن آن است. این بدین معناست که برخلاف پژوهش‌های قبلی - که استفاده و عضویت در شبکه‌های اجتماعی را یکی از قوی‌ترین دلایل برای بروز و تجربه‌ی طلاق عاطفی می‌دانستند نتایج این تحقیق نشان داد که بین این دو متغیر نوعی رابطه‌ی منفی و معکوس وجود دارد و در بین شهروندان شیرازی استفاده‌ی بیشتر از شبکه‌های اجتماعی میزان تجربه‌ی طلاق عاطفی را بیشتر نمی‌کند. این یافته با یافته‌های رحیمی و همکاران، عبدالهی و همکاران و والنزوالا همخوانی ندارد. این محققان در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که شبکه‌های اجتماعی باعث سردی روابط بین زوجین شده و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میزان طلاق تأثیر مستقیم دارد. شاید بتوان نتایج دو فرضیه‌ی سبک زندگی مدرن و نیز استفاده از شبکه‌های اجتماعی را در مورد طلاق عاطفی شهروندان شیرازی در ارتباط خاصی قرار داد. به عبارت دیگر از آنجا که شهر شیراز از جمله شهرهایی است که به سوی مدرنیته گام بر می‌دارد و سبک زندگی بیشتر شهروندان آن مدرن است و از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند این دو عامل باعث ارتباط معکوس این دو متغیر شده است. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که افرادی که سبک زندگی مدرن دارند، توانایی درک یکدیگر، تفکیک موقعیت‌ها، تقسیم عواطف و بروز رفتار بجا در موقعیت‌های مختلف را نیز دارند و یا اینکه در جوامع امروزی، شبکه‌های اجتماعی عضو جداناپذیری از خانواده‌ها شده‌اند و بنا بر نظریات مارکز - که کیفیت زناشویی را نتیجه‌ی شیوه‌هایی می‌داند که افراد متأهل، به طور سامان‌مند، خود را سازماندهی کنند - هر فرد که من او، حرکات منظم و معینی اطراف و بین ابعاد مختلف داشته باشد و به گونه‌ای خود را سازماندهی کند که نسبت به زاویه‌های گوناگونش، مشغولیت و توجه قوی داشته باشد، کیفیت زناشویی بالایی را می‌تواند تجربه کند و افراد خانواده

به خصوص زوجین با قبول اینکه هر فرد در طول روز کاری خود بخشی از زمان را به پرسه زدن در شبکه‌های مجازی و خواندن متن‌ها، تبادل اطلاعات و ایجاد روابط با دوستان اختصاص می‌دهد خود را قانع کرده و باعث کاهش یک سری اختلافات می‌شوند.

شاید بتوان گفت، در دهه‌های گذشته با وارد شدن تلویزیون به محیط خانه‌ها و وجود برنامه‌های متنوع در ابتدا مشکلاتی وارد روابط اعضای خانواده شد، اما رفته رفته این تکنولوژی به یک وسیله‌ی کاربردی و اصلی تبدیل شد و توانست کارکردهای مناسبی نیز داشته باشد. امروزه، نیز این تکنولوژی متنوع‌تر شده و شبکه‌های اجتماعی جای برنامه‌های مختلف تلویزیونی را گرفته‌اند. حال در این محیط‌ها و گروه‌های مختلف که بخشی از زندگی زوجین را اشغال کرده، طبق نظریات استنبرگ زوجین باید نهایت وفاداری خود را به خانواده و همسرشان نشان دهند. آنها نباید به راحتی از خود سستی نشان دهند یا در منجلاب هوس‌ها و تنوع طلبی‌های این تکنولوژی‌ها و بازیگران آن بیافتند. زوجین باید صمیمیت بین خود را ارتقاء دهند و آن را تقویت کنند، به گونه‌ای که اشتراک گذاردن احساسات و فراهم آوردن حمایت عاطفی طرفین در اولویت برون‌سپاری احساساتشان قرار بگیرد. برای افزایش این صمیمیت باید زوجین زمان بیشتری را به هم بودن و مصاحبت حتی در باب اطلاعات منتشر شده در این شبکه‌ها بپردازند تا نزدیکی به تدریج افزایش یابد و با رشد رابطه با همین هم‌کلام شدن و صحبت‌ها در یک حوزه کم‌کم عمیق‌تر شود. در نهایت نیز افراد با جلب اعتماد یکدیگر می‌توانند پشتوانه‌ی قوی عاطفی برای صمیمیت ایجاد کنند. اگر در میان دغدغه‌های روزانه در زمان استراحت اول افراد بتوانند این اعتماد عاطفی را به طرف مقابل خود انتقال دهند، دیگران شنونده دغدغه‌هایشان خواهند بود، زیرا اولویت را در رابطه‌ی رودررو با همسر خود می‌دانند و بعد از تسکین او به پرسه زدن در این شبکه‌ها خواهند پرداخت، این‌گونه است که سطح اطمینان و اعتماد عاطفی بالا می‌آید و به عبارتی زوجین این شبکه‌های اجتماعی و تکنولوژی‌های وسوسه‌انگیز را رقیب نمی‌بینند.

در نهایت، آزمون‌ها و بررسی‌های این پژوهش با تحلیل رگرسیون چندگانه به پایان رسید و یافته‌ها نشان داد که چهار متغیر سبک زندگی سنتی، سبک زندگی مدرن، کامپیوتر و سبک زندگی تظاهری توانستند متغیر ملاک (طلاق عاطفی) را تبیین کنند.

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادهای ذیل می‌تواند در راستای پیشگیری و کاهش طلاق عاطفی مورد توجه و استفاده‌ی کارشناسان خانواده قرار گیرد.

الف- با توجه به تأیید فرضیه‌ی «بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد» و نیز فرضیه‌ی «بین استفاده از کامپیوتر و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد»، پیشنهاد می‌شود:

- استفاده‌ی مناسب از امکانات ارتباطی و تکنولوژی ارتباطات آموزش داده شود؛ حضور امکانات ارتباطی گسترده و استفاده از محصولات نمایشی متنوع به مقایسه‌ی اجتماعی زیادی منجر می‌شود که نتیجه‌ی آن افزایش انتظارات زوجین است. افزایش انتظارات زمینه‌ی تعارضات زوج را موجب می‌شود، بنابراین آموزش زوجین برای افزایش سطح سازگاری آنها و حل تعارضات موجب جلوگیری از گسست درون خانواده به واسطه‌ی انتظارات متفاوت خواهد شد.

- زوجین برای استفاده از انواع رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باید مدیریت زمان داشته باشند، تا در کنار بهره‌مندی از تکنولوژی‌های روز بتوانند وقت کافی برای بودن در کنار همسر و خانواده‌ی خود داشته باشند.

ب- با توجه به تأیید فرضیه‌ی «بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد»، پیشنهاد می‌شود:

- تولید و انتقال ارزش‌ها، اعتقادات و تقویت اعتماد اجتماعی که از عناصر مهم سبک زندگی سنتی است، در سطح اجتماعی، از رسانه‌های مختلف و استفاده از این پتانسیل برای تقویت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی زوجین تبلیغ و انتشار شود.

ج- با توجه به تأیید فرضیه‌ی «بین سبک زندگی مدرن و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد» پیشنهاد می‌شود:

- برای کاهش طلاق عاطفی زوجین و با توجه به انبوهی از مؤلفه‌های فرهنگی جدید و عصر ارتباطات که سبک زندگی مدرن و انتظارات جدید را برای همسران ایجاد می‌کند در صورت نبود همسان همسری و تقابل سبک زندگی سنتی با سبک زندگی مدرن طلاق عاطفی یکی از ملموس‌ترین نتایج آن خواهد بود. از این رو به نظر می‌رسد، رعایت برخی از ابعاد سبک زندگی مدرن و آموزش پیاده کردن درست آن در محیط خانواده در عصر حاضر طلاق عاطفی بین زوجین را کاهش می‌دهد.

منابع

- ← استرنبرگ، رابرت. «نظریه عشق»، نهاله: تازه‌های علوم شناختی، ترجمه‌ی مشتاق بیدختی، ش ۳، (۱۳۷۸).
- ← اسکافی، مریم، فرح ترکمان و باقر ساروخانی. «اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۲، (۱۳۹۴).
- ← باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره، «پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن» فصلنامه خانواده‌پژوهی: تابستان ۱۳۹۰، دوره ۷، شماره ۲۶.
- ← بخارایی، احمد ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی زندگی خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران، پژوهک جامعه.
- ← برناردز، جان ۱۳۸۴. درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه‌ی حسین قاضیان، تهران، نی.
- ← حدادی برزگی، میثم، ۱۳۸۹، بررسی جامعه‌شناختی طلاق عاطفی (مطالعه‌ای با رویکرد بر ساخت‌گرایی اجتماعی در زنان شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- ← خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس. «رابطه‌ی بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۱، (۱۳۸۸).
- ← رحمانی فیروزجاه، علی و سعیدیه سهرابی. «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری (مطالعه موردی شهر ساری)»، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، ش ۱، (۱۳۹۲).
- ← رحیمی، محمد؛ پرنده، رادبه و نقی پور، پریسا، ۱۳۹۴، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط زناشویی زوجین مطالعه موردی مزدوجین ۵ سال اخیر شهر خلخال»، منتشر شده در کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
- ← روشنی، شهره. طلاق عاطفی؛ زمینه و پیامدها، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زن در خانواده، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، (۱۳۸۹).
- ← ریتزر، جورج ۱۳۷۴. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- ← ساروخانی، باقر ۱۳۷۵. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران، سروش.
- ← ستوده، هدایت الله و سیف‌الله بهاری ۱۳۸۶. آسیب‌شناسی خانواده، تهران، ندای آریانا.
- ← عبداللهی، مجتبی. «طلاق عاطفی، مفاهیم و نمادها»، مطالعات خانواده، ش ۲۵۵، (۱۳۹۲).
- ← عبداللهی، اسماعیل و نرگس صداقت. «تأثیر رسانه و شبکه‌های اجتماعی بر طلاق در شهر بوشهر طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳»، فصلنامه‌ی علمی تخصصی دانش انتظامی بوشهر، سال ۴، ش ۱۴، (۱۳۹۳).
- ← محمدی، زهرا ۱۳۸۳. بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
- ← یزدانی عباس، منصور حقیقتیان و حمید کشاورز. «تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۲، ش ۶، (۱۳۹۲).
- Abbey E, N, Rommelse S. Vermeulen & M. Altink. "Motor Coordination Problems

in Children and Adolescents with ADHD rated by Parents and Teachers: Effects of Age and Gender“, *Journal of Neural Transmission*, (2010).

► Bradbury ,Thomas &. et al “Research on the nature and determinants of marital satisfaction: a decade in review” *Journal of Marriage and theFamily*, 62, (2000).

► Charls,Garriso 2011. *The Influence of Parenting Styles on Children, Cognitive Development*. Louisiana State University Center.

► Larson ,Jeffry& B. Holman Thomas. “premarital predictors of marital quality and stability”, *Family Relations*, Vol. 43, No. 2, (1994).

► Morrison, Andrea L.; &Others 2005. *A Prospective Study of Divorce and Its Relationship to Family Functioning*. Source: N/A

► Myers, David G. (2000). *Exploring Social Psychology*, Bostsn: MC Graw Hill.

► Olson, David H,& John Defrain, 2006. *marriage and families*, New York: Mc Graw Hill.

► Russell B, MA. Clayton, “Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking”. *Department of Journalism, University of Missouri-Columbia, Columbia, Missouri*, Vol. 17, No.7, (2014).

► Valenzuela, Sebastián., Daniel Halpern,& James E. Katz. “Social network sites, marriage well-being and divorce”, *Survey and state-level evidence from the United States*, Vol. 36, (2014).

► <http://www.sabteahval.ir>